

جرم احتکار طبق ماده ۱۰ قانون

متمم بودجه ۱۳۱۷

ماده ۱۰ قانون متمم بودجه سال گذشته احتکار کالای انحصار دولت را با کیفیاتی گناه تشخیص داده و در آمار دادسرا و دادگاهان جزائی در گردش سال هزار و سیصد و هفده بارها این موضوع مورد تعقیب و رسیدگی واقع شد - ماده مزبور مقرر میدارد « هر کس کالای انحصاری دولت را « بغیر از طریق فاجاق که تابع قوانین مخصوصی است » تحصیل و احتکار نماید باین نحو که کالای انحصاری را زاید بر مصرف خود و کانش تولید کنندگان و یا سایر اشخاص تحصیل نماید و بدین وسیله از دسترس دولت و مصرف کنندگان خارج نماید بحسب تادیهی از دو ماه تا یکسال و بتأدیهی غرام از هزار تا دوهزار ریال و یا بیکری از این دو مجازات محکوم و علاوه بر آن سود احتکار منفع شرکت یا بنگاه یا اداره مربوطه ضبط میشود : »

برای تحقق گناه مزبور سه رکن لازم است که یکی را ممکن است رکن منفی و دوتای دیگر رکن مثبت نامند .
اولا - لازم است که محتکر کالای انحصاری دولت را به طریق غیر از « فاجاق » بدست آورده باشد تا طبق ماده مزبور قبل مجازات تشخیص شود بدیهی است اگر مال مورد رسیدگی از راه فاجاق یا از طریق نامشروع دیگری مثل سرقت یا خیانت در امانت یا تهیبت بوسائل متقلبانه بدست آمده باشد طبق مواد دیگری مرتکب بمجازات اشدی نمیشود ، پس برای تحقق این گناه نه تنها لازم است که کالای دولتی بطریق نامشروع دست نیامده باشد بلکه رکن اول گناه این است که کالای مزبور بطریق مشروعی تحصیل شده باشد که خود ماده ناظر است باینکه شخص از تولید کنندگان و یا سایر اشخاص بدست آورده باشد یا احراز این رکن برای آنکه عمل شروع جرم تلقی گردد وجود دو شرط دیگر لازم است که سوء نیت و قصد اضرار بجماعه را از ناحیه مرتکب برساند .
ثانیا - تحصیل و احتکار کالای دولت زائد بر مصرف

خود و کسان تحصیل کنند .

ثالثا - خروج کالا از دست رس دولت و مصرف -

کنندگان .

از تلفیق دو شرط مذکور در بالا باید بیکری که متضامنا وجود آنها برای احراز گناه لازم است اینطور نتیجه میشود که قانون فقط ناظر است بر فاعل حال مصرف کنندگان که بانوجه بیهاء جنس مانع شود که در نتیجه کم شدن مال در بازار فروش طبق مقررات طبیعی عرضه و تقاضا در نتیجه کثرت داوطلب قیمت آن بالا رفته و بر سنگینی میزان زندگی افزوده شود بقسمی که اگر در عمل تحصیل کنندگان کالا چنین نیتی موجود نبوده و مال مورد تحصیل از دسترس مصرف کنندگان خارج نشود البته گناهی وجود نخواهد داشت پس بر این شرط لازم تحقق جرم احتکار مال است بقصد بالا رفتن قیمت آن در نتیجه کم بودی و در مضیقه گذاردن مشتریان که راضی شوند بقیمت بالانتری اجناس را خریدند و بنابراین باین وسیله از تنزل قیمت جلوگیری کنند .

قسمت اخیر ماده مزبور نیز مؤید این نظر است
« . . . همین مجازات محکوم میشود هر عامل فروش رسمی و فروشندگان مجاز که اجناس انحصاری را زیادتر از نرخ مقرر از طرف شرکت یا اداره و بنگاهی که عمل انحصاری آن مال را عهده دار است بفروش رساند »

در طی عمر یکساله این گناه بارها این امر شرح یابین مورد تعقیب دادسرا واقع شده و منجر بصدور دادنامه گردیده .

دوره گردان از شعب مختلفه فروش کالا و یا از بازار اجناس انحصاری را بقیمت معموله تهیه کرده بقصد آنکه به هستانها و دهکده ها رفته و باشخاصی که دسترسی بشعبات شرکت نداشتند اجناس را معرفی نموده و با حزمی سود مال تهیه شده را بمصرف فروش برساند .

مأمورین کشف قاچاق اجناس مزبور را توقیف نموده و با استناد ماده ۱۰ قانون متمم بودجه ۱۳۱۷ تقاضای مجازات صاحب مال و توقیف آن میشد.

این تعبیر مسلماً مخالف نظر مقلن بشرحی که در بالا ذکر شده بوده و در این مورد دورکن اول و دوم گناه یعنی تحصیل مال بطریق غیر قاچاق و زائد بر مصرف تحصیل باشد موجود بوده لیکن رکن سوم گناه که فلسفه اصلی مجازات است یعنی خروج کالا از دسترس دولت و مصرف کنندگان وجود ندارد و احتکار که شرط جرم است در مورد این اشخاص مصداق پیدا نمیکنند چه عمل آنها معرفی جنس به خریداران جزئی بوده و باین وسیله موجب تهیله مصرف کنندگان میشوند و اما تفاوت قیمتی که بعلم بردن جنس بدر خانه مشتریان پیدا میشود برای فروشندگان معمولی و غیر رسمی مادام که مقلن صریحاً منع نکرده جرم نخواهد بود و قانون مزبور در این مورد ساکت است و طبق اصول کلی تعبیر قانون برای توسعه جرم مجاز نیست.

نکته قابل تذکر این است که گناه احتکار و فروش جنس از طرف عاملین بقیمت بالا در ضمن قانون بودجه گذشت روش قوانین مالی سرعت در تصویب است در مدت

محدودی و مقررات غیر بودجه که در ضمن قانون بودجه شاهد میشود همیشه جنبه فوری داشته و از این لحاظ ضمیمه می شوند.

در سال ۱۳۱۵ که شرکت قماش تشکیلات فعلی داده شد پس از اندک زمانی برای تأمین رفاه مصرف کنندگان موضوع احتکار پیش بینی شده و برای آسکه هر چه زود تر از خطرات آن جلوگیری شود در اسفند ۱۳۱۶ ضمن قانون بودجه پیشنهاد شده و ماده ۱۴ همان قانون مقرراتی که ماده ۱۰ مادام که ملغی نشده است بتقویت خود باقی خواهد بود قوانین بودجه صرف نظر از استثنائات صریحی که ممکن است در آن ذکر شود فقط برای مدت یکسال بوده و چنانچه بعضی از مواد آن برای چند سال باشد لازم است صریحاً در قانون ذکر شود با مراجعه بقانون متمم بودجه ۱۳۱۸ از ماده ۱۰ مذکوره در بالا اثری در بین نبوده و معلوم میشود که این گناه از بین رفته و دیگر قدرت قانونی ندارد در هر حال اگر وجود این ماده بمنظوری که مقلن داشت بسیار مفید و ضروری بود و حذف آن از این نظر نگران آواراست تعبیر بی موردی که از آن می شد جبران این نگرانی را می نماید.

دکتر محمد شاهکار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی